

× بازی صهیونیستی



① آرل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی. عمرش از ۱۴ سالگی در تشکیلات نظامی سپری شده بود و در جنگ‌های مختلف شرکت کرده بود. کشتار صبرا و شتیلا در جنگ ۱۹۸۲ به نام او ثبت شده است.

صهیونیست‌ها به شدت تحولات جنگ ایران و عراق را زیر نظر داشتند و البته خواهان نابودی و تضعیف هر دو کشور بودند. چند روز از آزادی خرمشهر گذشته بود که سخنان مهیم صهیونیست‌ها درباره‌ی کمک نظامی به ایران ابعاد رسانه‌ای زیادی پیدا کرد و از طرفی دستاویزی برای صدامی شد که بر لبه‌ی پرتگاه قرار گرفته بود. ششم خرداد، سه روز پس از آزادی خرمشهر، لس‌آنجلس تایمز به نقل از رویترز نوشت آرل شارون، وزیر دفاع اسرائیل، روز چهارشنبه اعلام کرده که این کشور کمک نظامی ناچیزی به ایران کرده است؛ چون عراق را عامل تهدید صلح در خاورمیانه می‌داند. با این حال، از اقدامات جنگی ایران پشتیبانی نمی‌کند. شارون در گفت‌وگویی تلویزیونی با شبکه‌ی ان‌بی‌سی در پاسخ به این پرسش که چرا اسرائیل به کشوری که رهبری اسلامی رادیکالش آشکارا با دولت یهود [اسرائیل] دشمنی می‌ورزد کمک مالی می‌کند، گفت: «یک کمک بسیار ناچیز اعطا شده؛ بسیار ناچیز. اما تلاش برای نشان دادن اسرائیل به عنوان کشوری که از ایرانی‌ها در جنگ (با عراق) پشتیبانی می‌کند، اشتباه است.»

از این را اثبات می‌کند که همسایه‌های اسرائیل به سلاح نیاز دارند؟
اما هر چه بود خیلی زود این جنگ برای مدتی کوتاه بر مسائل جنگ ایران و عراق سایه انداخت.

② از بهانه‌های حمله‌ی اسرائیل به جنوب لبنان حضور فلسطینی‌های مبارز در جنوب لبنان بود. این تصویر نمونه‌ی لباس‌های مبارزان فلسطینی در این جنگ است.



① وسایلی که به دستگیری ضاربان سفیر اسرائیل در لندن کشف شد. سفیر جان سالم به در برد اما بلافاصله شعله‌های جنگ خاورمیانه را فرا گرفت.



× طرح صدام

به جان شلامو آرگوف، سفیر اسرائیل در لندن، سوء قصد شد. «سفیر اسرائیل به شدت مجروح شد اما جان سالم به در برد. مأموران انگلیسی ضاربان را دستگیر کردند. ضاربان وابسته به گروه‌های فلسطینی از سازمان ابونضال بودند؛ «سازمانی که آن زمان پایگاه اصلی اش همچنان در بغداد بود. یکی از این سه مرد از اقوام ابونضال و فرد سازمان‌دهنده‌ی حمله نیز سرگردی عراقی بود که در بخش ضداطلاعات ارتش عراق کار می‌کرد. همچنین کاشف به عمل آمد که اغلب سلاح‌های مورد استفاده‌ی آن‌ها را دفتر رایزن نظامی عراق در سفارت این کشور در لندن تهیه کرده و در اختیارشان گذاشته بود.» کان کاگلین معتقد است چنین حمله‌ای نمی‌توانسته بدون اطلاع قبلی صدام انجام شود؛ «ابونضال هنوز به صورت منظم با دفتر خصوصی صدام در تماس بود و وابستگی شدیدی به حمایت‌های مالی و لجستیکی او داشت. صدام و ابونضال، هر دو، به خوبی آگاه بودند که تلاش برای قتل سفیر اسرائیل در لندن می‌تواند چه عواقب احتمالی‌ای داشته باشد. مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل، و آرل شارون، وزیر دفاع اسرائیل، نیز از آن نوع آدم‌هایی نبودند که دست روی دست بگذارند تا ببینند نتیجه‌ی تحقیقات دولت بریتانیا درباره‌ی هویت و انگیزه‌ی ضاربان چه می‌شود. از نظر آن‌ها ضاربان وصل می‌شدند به «سازمان آزادی بخش فلسطین» و ترور سفیرشان همان بهانه‌ای را به دست‌شان می‌داد که خواهانش بودند. «حمله‌ی اسرائیل به جنوب لبنان آغاز شد و کاگلین این ترور را مرتبط به آغاز تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان می‌داند؛ موضوعی که نیازمند تحقیقات بیشتری است، چرا که در زمان واقعه نیز تحلیل‌های مختلفی در این باره وجود داشت. از جمله



① هشتم ژوئن ۱۹۸۲ (۱۸ خرداد ۱۳۶۱) روزنامه‌ی داوار از زمان حمله به بیروت انتقاد کرده بود.

این که روزنامه‌ی اسرائیلی داوار در ۱۸ خرداد ۱۳۶۱، از زمان حمله‌ی اسرائیل انتقاد کرد و نوشت: «ایالات متحده خواهان تشکیل جبهه‌ی ضدایرانی است که شامل عربستان سعودی، مصر، اردن و عراق است. تهاجم ارتش اسرائیل به لبنان با این برنامه‌ی آمریکایی هم‌خوانی ندارد، چرا که توجهات را از آیت‌الله به جای دیگری پرت خواهد کرد. عربستان سعودی و اردن خواستار مداخله‌ی واشنگتن و توقف اسرائیل هستند و به‌عنوان اولین گام سلاح‌های مدرن برای اردن تأمین خواهند کرد. تهاجم به لبنان مگر چیزی غیر

به کان کاگلین پس از توضیح اوضاع وخیم صدام پس از شکست در خرمشهر می‌نویسد: «گاهی وقت‌ها موقعیت‌های نومیدانه مستلزم راه‌حل‌های نومیدانه است.» او می‌گوید صدام که امیدوی برای رهایی از وضعیتی که در جنگ گرفتارش شده بود نداشت؛ «دست به قمار پر مخاطره‌ای زد تا بلکه ابرقدرت‌ها را وادار به دخالت در جنگ» کند. کاگلین توضیح داده که پس از تنش‌ها میان اسرائیل و «جبهه‌ی آزادی بخش فلسطین» مناخیم بگین در اسرائیل «بی‌تابانه منتظر حمله‌ی نظامی به لبنان با هدف نابود کردن «جبهه‌ی آزادی بخش فلسطین» بود. این سازمان فلسطینی هم با توجه به این که از نیات و مقاصد اسرائیلی‌ها خبر داشت، حواسش را کاملاً جمع کرده بود تا هیچ بهانه‌ای به آن‌ها برای حمله ندهد. سپس در غروب سوم ژوئن ۱۹۸۲ (۱۳ خرداد ۱۳۶۱)



«این که اگر رژیم کنونی ایران کنترل سواحل جنوبی خلیج فارس را در اختیار بگیرد، ما احساس آسودگی خاطر بیشتری می‌کنیم، سؤال برانگیز و مشکوک است.»
معارفو، چاپ تل‌آویو، سوم خرداد ۱۳۶۱